

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند رحمتگر مهربان

حم ﴿۱﴾

**فولادوند:** حاء میم

**مکارم:** حم.

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ﴿۲﴾

**فولادوند:** سوگند به کتاب روشنگر

**مکارم:** سوگند به این کتابی که حقایقش آشکار است.

إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ﴿۳﴾

**فولادوند:** ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم باشد که ببینید

**مکارم:** که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم تا شما آن را درک کنید.

وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيمٌ ﴿۴﴾

**فولادوند:** و همانا که آن در کتاب اصلی [=لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است

**مکارم:** و آن در کتاب اصلی (لوح محفوظ) نزد ما است که بلند پایه و حکمت آموز است.

أَفَنْضَبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا مُسْرِفِينَ ﴿۵﴾

**فولادوند:** آیا به [صرف] اینکه شما قومی منحرفید [باید] قرآن را از شما باز داریم

**مکارم:** آیا این ذکر(قرآن) را از شما بازگیریم به خاطر اینکه قومی اسرافکارید؟

وَكَمَ أَرْسَلْنَا مِنْ نَبِيِّ فِي الْأَوَّلِينَ ﴿۶﴾

**فولادوند:** و چه بسا پیامبرانی که در [میان] گذشتگان روانه کردیم

**مکارم:** چه بسیار از پیامبران را که (برای هدایت) در اقوام پیشین فرستادیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ نَبِيٍّ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِؤْنَ ﴿۷﴾

**فولادوند:** و هیچ پیامبری به سوی ایشان نیامد مگر اینکه او را به ریشخند می گرفتند

**مکارم:** ولی هیچ پیامبری به سراغشان نمی آمد مگر اینکه او را استهزا می کردند.

فَأَهْلَكْنَا أَشَدَّ مِنْهُمْ بَطْشًا وَمَضَىٰ مَثَلُ الْأَوَّلِينَ ﴿۸﴾

**فولادوند:** و نیرومندتر از آنان را به هلاکت رسانیدیم و سنت پیشینیان تکرار شد

**مکارم:** ما کسانی را که نیرومندتر از اینها بودند هلاک کردیم، و داستان پیشینیان قبلا گذشت.

وَلَكِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لِيَقُولُنَّ خَلَقَهُنَّ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ﴿٩﴾

**فولادوند:** و اگر از آنان بپرسی آسمانها و زمین را چه کسی آفریده قطعاً خواهند گفت آنها را همان قادر دانا آفریده است

**مکارم:** هرگاه از آنها سؤال کنی چه کسی آسمانها و زمین را آفریده؟ مسلماً می‌گویند: خداوند قادر و دانا آنها را آفریده است.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا وَجَعَلَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ﴿١٠﴾

**فولادوند:** همان کسی که این زمین را برای شما گهواره‌ای گردانید و برای شما در آن راهها نهاد باشد که راه یابید

**مکارم:** همان کسی که زمین را گهواره و محل آرامش شما قرار داد و برای شما در آن راههایی آفرید تا هدایت شوید (و به مقصد رسید).

وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ ﴿١١﴾

**فولادوند:** و آن کس که آبی به اندازه از آسمان فرود آورد پس به وسیله آن سرزمینی مرده را زنده گردانیدیم همین گونه [از

گورها] بیرون آورده می‌شوید

**مکارم:** و آن کسی که از آسمان آبی فرستاد به مقدار معین، و به وسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم، و همینگونه در قیامت زنده می‌شوید!

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَالْأَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ ﴿١٢﴾

**فولادوند:** و همان کسی که جفتها را یکسره آفرید و برای شما از کشتیها و دامها [وسیله‌ای که] سوار شوید قرار داد

**مکارم:** و همان کسی که همه زوجها را آفرید، و برای شما از کشتیها و چهارپایان مرکبهای قرار داد که بر آن سوار شوید.

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ مُقْرِنِينَ ﴿١٣﴾

**فولادوند:** تا بر پشت آن [ها] قرار گیرید پس چون بر آن [ها] برنشستید نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید پاک است کسی که

این را برای ما رام کرد و [گره] ما را یاری [رامساختن] آنها نبود

**مکارم:** تا بر پشت آنها به خوبی قرار گیرید، سپس نعمت پروردگارتان را هنگامی که بر آنها سوار شدید متذکر شوید، و بگوئید پاک و منزه است کسی که این را مسخر ما ساخت و گره ما توانائی آن را نداشتیم.

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ ﴿١٤﴾

**فولادوند:** و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت

شبکه‌ی رشد، شبکه‌ی ملی مدارس ایران

**مکارم:** و ما به سوی پروردگاران باز می‌گردیم.

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾

**فولادوند:** و برای او بعضی از بندگان [خدا] را جزئی [چون فرزند و شریک] قرار دادند به راستی که انسان بس ناسپاس آشکار است

**مکارم:** آنها برای خداوند از میان بندگانش جزئی قرار دادند (و ملائکه را دختران خدا خواندند) انسان کفران کننده آشکاری است!

أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ ﴿١٦﴾

**فولادوند:** آیا از آنچه می‌آفریند خود دخترانی برگرفته و به شما پسران را اختصاص داده است

**مکارم:** آیا از میان مخلوقاتش دختران را برای خود انتخاب کرده، و پسران را برای شما؟!

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ﴿١٧﴾

**فولادوند:** و چون یکی از آنان را به آنچه به [خدای] رحمان نسبت می‌دهد خبر دهند چهره او سیاه می‌گردد در حالی که خشم و تاسف خود را فرو می‌خورد

**مکارم:** در حالی که هر گاه یکی از آنها را به همان چیزی که برای خداوند رحمن شبیه قرار داده (به تولد دختر) بشارت دهند صورتش از فرط ناراحتی سیاه می‌شود، و مملو از خشم می‌گردد!

أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ ﴿١٨﴾

**فولادوند:** آیا کسی [را شریک خدا می‌کنند] که در زر و زیور پرورش یافته و در [هنگام] مجادله بیانش غیر روشن است

**مکارم:** آیا کسی را که در لابلای زینتها پرورش می‌یابد و به هنگام جدال قادر به تبیین مقصود خود نیست (فرزند خدا می‌خوانید)؟!

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَّا أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيَسْأَلُونَ ﴿١٩﴾

**فولادوند:** و فرشتگانی را که خود بندگان رحمانند مادینه [و دختران او] پنداشتند آیا در خلقت آنان حضور داشتند گواهی ایشان به زودی نوشته می‌شود و [از آن] پرسیده خواهند شد

**مکارم:** آنها فرشتگان را که بندگان خداوند مؤنث پنداشتند، آیا به هنگام آفرینش آنها شاهد و حاضر بودند؟ این گواهی آنها نوشته می‌شود و از آن بازخواست خواهند شد!

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ﴿٢٠﴾

**فولادوند:** و می‌گویند اگر [خدای] رحمان می‌خواست آنها را نمی‌پرستیدیم آنان به این [دعوی] دانشی ندارند [و] جز حدس نمی‌زنند

**مکارم:** آنان گفتند اگر خدا می‌خواست ما آنها را پرستش نمی‌کردیم، ولی به این امر یقین ندارند، و جز دروغ چیزی نمی‌گویند.

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ﴿٢١﴾

**فولادوند:** آیا به آنان پیش از آن [قرآن] کتابی داده‌ایم که بدان تمسک می‌جویند

**مکارم:** یا اینکه ما کتابی پیش از این به آنها داده‌ایم و آنها به آن تمسک می‌جویند؟

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ﴿٢٢﴾

**فولادوند:** [نه] بلکه گفتند ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم‌با] پی‌گیری از آنان راه یافتگانیم

**مکارم:** بلکه آنها می‌گویند ما نیاکان خود را بر مذهبی یافتیم و ما نیز به آثار آنها هدایت شده‌ایم.

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ﴿٢٣﴾

**فولادوند:** و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند ما پدران خود را بر

آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از پی ایشان راهسپریم

**مکارم:** همین گونه در هیچ شهر و دیاری پیش از تو پیامبری اندازکننده نفرستادیم مگر اینکه ثروتمندان مست و مغرور گفتند ما

پدران خود را بر مذهبی یافتیم و به آثار آنها اقتدا می‌کنیم.

قَالَ أَوْلَوْ جُنَّتْكُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿٢٤﴾

**فولادوند:** گفت هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم گفتند ما [نسبت] به آنچه بدان

فرستاده شده‌اید کافریم

**مکارم:** (پیامبرشان) گفت: آیا اگر من آئینی هدایت بخش‌تر از آنچه پدرانان را بر آن یافتید آورده باشم (باز هم انکار می‌کنید؟!)

گفتند (آری) ما به آنچه شما به آن مبعوث شده‌اید کافریم!

فَانْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ ﴿٢٥﴾

**فولادوند:** پس از آنان انتقام گرفتیم پس بنگر فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است

**مکارم:** لذا ما از آنها انتقام گرفتیم بنگر پایان کار تکذیب‌کنندگان چگونه بود.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ ﴿٢٦﴾

**فولادوند:** و چون ابراهیم به [نا]پدری خود و قومش گفت من واقعا از آنچه می‌پرستید بیزارم

**مکارم:** به خاطر بیاور هنگامی را که ابراهیم به پدرش (عمویش آذر) و قومش گفت من از آنچه شما می‌پرستید بیزارم!

## إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيِّئُ الدِّينِ ﴿٢٧﴾

**فولادوند:** مگر [از] آن کس که مرا پدید آورد و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد

**مکارم:** مگر آن خدائی که مرا آفریده که او هدایتم خواهد کرد.

## وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٢٨﴾

**فولادوند:** و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد باشد که آنان [به توحید] بازگردند

**مکارم:** او کلمه توحید را کلمه باقیه در اعقاب خود قرار داد تا به سوی خدا بازگردند.

## بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ ﴿٢٩﴾

**فولادوند:** بلکه اینان و پدرانشان را بر خوداری دادم تا حقیقت و فرستاده‌ای آشکار به سویشان آمد

**مکارم:** ولی ما این گروه و پدران آنها را از مواهب دنیا بهره مند ساختم تا حق و فرستاده آشکار الهی به سراغشان آمد.

## وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ ﴿٣٠﴾

**فولادوند:** و چون حقیقت به سویشان آمد گفتند این افسونی است و ما منکر آنیم

**مکارم:** اما هنگامی که حق به سراغشان آمد گفتند این سحر است و ما نسبت به آن کافریم!

## وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ ﴿٣١﴾

**فولادوند:** و گفتند چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر فرود نیامده است

**مکارم:** و گفتند چرا این قرآن بر مرد بزرگی (مرد ثروتمندی) از این دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است؟!

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ  
دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ﴿٣٢﴾

**فولادوند:** آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم و

برخی از آنان را از [نظر] درجات بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند و رحمت پروردگار

تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است

**مکارم:** آیا آنها رحمت پروردگارت را تقسیم می‌کنند؟ ما معیشت آنها را در حیات دنیا در میان آنان تقسیم کردیم و بعضی را بر

بعضی برتری دادیم تا یکدیگر را تسخیر و با هم تعاون کنند، و رحمت پروردگارت از تمام آنچه جمع آوری می‌کنند بهتر است.

وَلَوْلَا أَن يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقْفًا مِّنْ فَضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا  
يَظْهَرُونَ ﴿٣٣﴾

**فولادوند:** و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند قطعا برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می‌ورزیدند سقفها و نردبانهایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می‌دادیم

**مکارم:** اگر تمکن کفار از مواهب مادی سبب نمی‌شد که همه مردم امت واحد گمراهی شوند ما برای کسانی که کافر می‌شدند خانه‌هایی قرار می‌دادیم با سقفهائی از نقره و نردبانهائی که از آن بالا روند!

وَلْيُؤْتِهِمْ أَبُوَابَا وَسُرْرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ ﴿٣٤﴾

**فولادوند:** و برای خانه‌هایشان نیز درها و تختهایی که بر آنها تکیه زنند

**مکارم:** و برای خانه‌های آنها درها و تختهایی (زیبا و نقره گون) قرار می‌دادیم که بر آن تکیه کنند.

وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ ﴿٣٥﴾

**فولادوند:** و زر و زیورهای [دیگر نیز] و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است  
**مکارم:** و انواع وسائل تجملی، ولی تمام اینها متاع زندگی دنیاست و آخرت نزد پروردگارت از آن پرهیزگاران است.

وَمَنْ يَعِشْ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ ﴿٣٦﴾

**فولادوند:** و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند بر او شیطانی می‌گماریم تا برای وی دمسازی باشد  
**مکارم:** هر کس از یاد خدا رویگردان شود شیطانی را به سراغ او می‌فرستیم و همواره قرین او باشد.

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّوهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ ﴿٣٧﴾

**فولادوند:** و مسلما آنها ایشان را از راه باز می‌دارند و [آنها] می‌پندارند که راه یافتگانند

**مکارم:** و آنها (شیاطین) این گروه را از راه خدا باز می‌دارند، در حالی که گمان می‌کنند هدایت یافتگان حقیقی آنها هستند.

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ ﴿٣٨﴾

**فولادوند:** تا آنگاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید [خطاب به شیطان] گوید ای کاش میان من و تو فاصله خاور و باختر بود که چه بد دمسازی هستی

**مکارم:** تا زمانی که نزد ما حاضر شود می‌گوید: ایکاش میان من و تو فاصله مشرق و مغرب بود، چه بد همنشینی هستی تو!

وَلَنْ يَنْفَعَكُمْ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنفُسَكُمْ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ﴿٣٩﴾

**فولادوند:** و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی‌بخشد چون ستم کردید در حقیقت شما در عذاب مشترک خواهید بود  
**مکارم:** هرگز این گفتگوها امروز به حال شما سودی ندارد، چرا که ظلم کردید، و همه در عذاب مشترکید.

أَفَأَنْتَ تَسْمَعُ الصَّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ﴿٤٠﴾

**فولادوند:** پس آیا تو می‌توانی کران را شنوا کنی یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی  
**مکارم:** آیا تو می‌توانی سخن خود را به گوش کران برسانی یا کوران و کسانی را که در ضلال مبین هستند هدایت کنی.

فَاِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَاِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾

**فولادوند:** پس اگر ما تو را [از دنیا] ببریم قطعاً از آنان انتقام می‌کشیم  
**مکارم:** هر گاه تو را از میان آنها ببریم حتماً آنها را مجازات خواهیم کرد.

اَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَاِنَّا عَلَيْهِمْ مُّقْتَدِرُونَ ﴿٤٢﴾

**فولادوند:** یا [اگر] آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم حتماً ما بر آنان قدرت داریم  
**مکارم:** یا اگر زنده بمانی و آنچه را از عذاب آنان وعده داده‌ایم به تو ارائه دهیم باز ما بر آنها مسلطیم.

فَاسْتَمْسِكْ بِالَّذِي اُوْحِيَ اِلَيْكَ اِنَّكَ عَلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ ﴿٤٣﴾

**فولادوند:** پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ در زن که تو بر راهی راست قرار داری  
**مکارم:** آنچه را بر تو وحی شده محکم بگیر که تو بر صراط مستقیم هستی.

وَ اِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ﴿٤٤﴾

**فولادوند:** و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مايه] تذکری است و به زودی [در مورد آن] پرسیده خواهید شد  
**مکارم:** و این مایه یادآوری تو و قوم تو است و به زودی سؤال خواهید شد.

وَ اَسْأَلُ مَنْ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا اَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمٰنِ اِلٰهَةً يُعْبَدُونَ ﴿٤٥﴾

**فولادوند:** و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو آیا در برابر [خدای] رحمان خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند  
مقرر داشته‌ایم

**مکارم:** از رسولانی که قبل از تو فرستادیم بپرس، آیا غیر از خداوند رحمان معبودانی برای پرستش آنها قرار دادیم؟!

وَ لَقَدْ اَرْسَلْنَا مُوسٰى بِآيَاتِنَا اِلٰى فِرْعَوْنَ وَ مَلِئَتْهُ فَجَالَ اِنِّي رَسُوْلُ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ ﴿٤٦﴾

**فولادوند:** و همانا موسی را با نشانه‌های خویش به سوی فرعون و سران [قوم] او روانه کردیم پس گفت من فرستاده پروردگار  
جهانیانم

**مکارم:** ما موسی را با آیات خود به سوی فرعون و درباریان او فرستادیم (به آنها) گفت: من فرستاده پروردگار عالمیانم.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا اِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ ﴿٤٧﴾

**فولادوند:** پس چون آیات ما را برای آنان آورد ناگهان ایشان بر آنها خنده زدند

**مکارم:** ولی هنگامی که او آیات ما را برای آنها آورد از آن می‌خندیدند.

وَمَا تُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ﴿٤٨﴾

**فولادوند:** و [ما] نشانه‌ای به ایشان نمی‌نمودیم مگر اینکه آن از نظیر [و مشابه] آن بزرگتر بود و به عذاب گرفتارشان کردیم تا مگر به راه آیند

**مکارم:** ما هیچ آیه (و معجزه‌ای) به آنها نشان نمی‌دادیم مگر اینکه از دیگری بزرگتر (و مهمتر) بود، و آنها را با مجازات هشدار دادیم شاید بازگردند.

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ﴿٤٩﴾

**فولادوند:** و گفتند ای فسونگر پروردگارت را به [پاس] آنچه با تو عهد کرده برای ما بخوان که ما واقعا به راه درست درآمده‌ایم  
**مکارم:** (هنگامی که گرفتار بلا شدند) گفتند: ای ساحر! پروردگارت را به عهدی که با تو کرده بخوان (تا ما را از این درد و رنج برهاند) که ما هدایت خواهیم یافت.

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ ﴿٥٠﴾

**فولادوند:** و چون عذاب را از آنها برداشتیم بناگاه آنان پیمان شکستند

**مکارم:** اما موقعی که عذاب را از آنها بر طرف می‌ساختیم پیمان خود را می‌شکستند!

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ ﴿٥١﴾

**فولادوند:** و فرعون در [میان] قوم خود ندا درداد [و] گفت ای مردم [کشور] من آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر [کاخهای] من روان است از آن من نیست پس مگر نمی‌بینید

**مکارم:** فرعون در میان قوم خود ندا داد و گفت: ای قوم من! آیا حکومت مصر از آن من نیست، و این نهرها تحت فرمان من جریان ندارد؟ آیا نمی‌بینید؟!

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ﴿٥٢﴾

**فولادوند:** آیا [نه] من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم

**مکارم:** من از این مردی که خانواده و طبقه پستی است و هرگز نمی‌تواند فصیح سخن بگوید برترم!

فَلَوْلَا أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ ﴿٥٣﴾

**فولادوند:** پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند

**مکارم:** اگر راست می‌گوید چرا دستبندهای طلا به او داده نشده؟! یا اینکه چرا فرشتگان همراه او نیامده‌اند؟ (تا گفتارش را تاءبید



کنند).

فَاسْتَحَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ﴿٥٤﴾

**فولادوند:** پس قوم خود را سبک‌مغز یافت [و آنان را فریفت] و اطاعتش کردند چرا که آنها مردمی منحرف بودند  
**مکارم:** او قوم خود را تحمیق کرد و از وی اطاعت کردند.

فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ﴿٥٥﴾

**فولادوند:** و چون ما را به خشم درآوردند از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم  
**مکارم:** اما هنگامی که ما را به خشم آوردند از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم.

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ﴿٥٦﴾

**فولادوند:** و آنان را پیشینه‌ای [بد] و عبرتی برای آیندگان گردانیدیم

**مکارم:** و آنها را پیشگامان (در عذاب) و عبرتی برای دیگران قرار دادیم.

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ ﴿٥٧﴾

**فولادوند:** و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد بناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله درانداختند [و اعراض کردند]  
**مکارم:** و هنگامی که درباره فرزند مریم مثلی زده شد قوم تو از آن می‌خندیدند (و مسخره می‌کردند).

وَقَالُوا آلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ﴿٥٨﴾

**فولادوند:** و گفتند آیا معبودان ما بهترند یا او آن [مثال] را جز از راه جدل برای تو نزدند بلکه آنان مردمی جدل‌پیشه‌اند  
**مکارم:** و گفتند آیا خدایان بهترند یا او (مسیح)؟ (اگر معبودان ما در دوزخند مسیح نیز در دوزخ است چرا که معبود واقع شده!) ولی آنها این مثل را جز از طریق جدال (و لجاج) برای تو نزدند، آنها گروهی کینه توز و پرخاشگرند.

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٥٩﴾

**فولادوند:** [عیسی] جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده‌ایم نیست  
**مکارم:** او فقط بنده‌ای بود که ما نعمت به او بخشیدیم و نمونه و الگویی برای بنی اسرائیل قرار دادیم.

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُفُونَ ﴿٦٠﴾

**فولادوند:** و اگر بخواهیم قطعا به جای شما فرشتگانی که در [روی] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم  
**مکارم:** و هر گاه بخواهیم بجای شما در زمین ملائکه‌ای قرار می‌دهیم که جانشین (شما) گردند.

وَإِنَّهُ لَعَلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ﴿٦١﴾

**فولادوند:** و همانا آن نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است پس زنهار در آن تردید مکن و از من پیروی کنید این است راه راست  
**مکارم:** و او سبب آگاهی بر روز قیامت است (نزول عیسی گواه نزدیکی رستاخیز است) هرگز در آن تردید نکنید و از من پیروی کنید که این راه مستقیم است.

وَلَا يَصُدُّكُمْ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ﴿٦٢﴾

**فولادوند:** و مبدا شیطان شما را از راه به در برد زیرا او برای شما دشمنی آشکار است  
**مکارم:** و شیطان شما را (از راه خدا) باز ندارد که او دشمن آشکار شما است.

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَى بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا ﴿٦٣﴾

**فولادوند:** و چون عیسی دلایل آشکار آورد گفت به راستی برای شما حکمت آوردم و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم پس از خدا بترسید و فرمانم ببرید

**مکارم:** هنگامی که عیسی با دلایل روشن به سراغ آنها آمد گفت من برای شما حکمت آورده‌ام و آمده‌ام تا پاره‌ای از اموری را که در آن اختلاف دارید تبیین کنم، تقوای الهی پیشه کنید و از من اطاعت نمائید.

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ ﴿٦٤﴾

**فولادوند:** در حقیقت خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست پس او را بپرستید این است راه راست  
**مکارم:** خداوند پروردگار من و پروردگار شماست، او را پرستش کنید که راه راست همین است.

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ إِلِيمٍ ﴿٦٥﴾

**فولادوند:** تا [آنکه] از میانشان احزاب دست به اختلاف زدند پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک  
**مکارم:** ولی گروه‌هایی از میان آنها ظهور کردند که (درباره مسیح) اختلاف نمودند و بعضی او را خدا پنداشتند وای بر آنها که ستم کردند از عذاب روز دردناک.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿٦٦﴾

**فولادوند:** آیا جز [این] انتظار می‌برند که رستاخیز در حالی که حدس نمی‌زنند ناگهان بر آنان در رسد  
**مکارم:** آنها چه انتظاری می‌کشند؟ جز اینکه قیامت ناگهان به سراغ آنها آید در حالی که خبر ندارند.

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ ﴿٦٧﴾

**فولادوند:** در آن روز یاران جز پرهیزگاران بعضی‌شان دشمن بعضی دیگرند

**مکارم:** دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند مگر پرهیزگاران.

يَا عِبَادِ لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزُنُونَ ﴿٦٨﴾

**فولادوند:** ای بندگان من امروز بر شما بیمی نیست و غمگین نخواهید شد  
**مکارم:** ای بندگان من! امروز نه ترسی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.

الَّذِينَ آمَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ ﴿٦٩﴾

**فولادوند:** همان کسانی که به آیات ما ایمان آورده و تسلیم بودند  
**مکارم:** آنها که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم بودند.

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ ﴿٧٠﴾

**فولادوند:** شما با همسرانتان شادمانه داخل بهشت شوید  
**مکارم:** (به آنها خطاب می‌شود) وارد بهشت شوید شما و همسرانتان در نهایت شادمانی.

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ﴿٧١﴾

**فولادوند:** سینه‌هایی از طلا و جامه‌هایی در برابر آنان می‌گردانند و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید [هست] و شما در آن جاودانید

**مکارم:** ظرفها (ی غذا) و جامها (ی شراب طهور) از طلا گرداگرد آنها می‌گردانند، و در آن (بهشت) آنچه دل می‌خواهد و چشم از آن لذت می‌برد وجود دارد، و شما در آن همیشه خواهید ماند.

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٧٢﴾

**فولادوند:** و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه می‌کردید میراث یافتید  
**مکارم:** این بهشتی است که شما وارث آن می‌شوید به خاطر اعمالی که انجام می‌دادید.

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٧٣﴾

**فولادوند:** در آنجا برای شما میوه‌هایی فراوان خواهد بود که از آنها می‌خورید  
**مکارم:** برای شما در آن میوه‌های فراوان است که از آن تناول می‌کنید.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ﴿٧٤﴾

**فولادوند:** بی‌گمان مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند

**مکارم:** مجرمان در عذاب دوزخ جاودانه می‌مانند.

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ﴿٧٥﴾

**فولادوند:** [عذاب] از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند

**مکارم:** هرگز عذاب از آنها تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا از همه چیز ماء‌یوسند.

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ ﴿٧٦﴾

**فولادوند:** و ما بر ایشان ستم نکردیم بلکه خود ستمکار بودند

**مکارم:** ما به آنها ستم نکردیم آنها خود ستمکار بودند.

وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ ﴿٧٧﴾

**فولادوند:** و فریاد کشند ای مالک [بگو] پروردگارت جان ما را بستاند پاسخ دهد شما ماندگارید

**مکارم:** آنها فریاد می‌کشند ای مالک دوزخ! آرزو داریم پروردگارت ما را بمیراند (تا آسوده شویم!) می‌گوید: شما در اینجا ماندنی

هستید!

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ﴿٧٨﴾

**فولادوند:** قطعاً حقیقت را برایتان آوردیم لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید

**مکارم:** ما حق را برای شما آوردیم؛ ولی بیشتر شما از حق کراهت داشتید!

أَمْ أَبْرَمُوا أَمْراً فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ﴿٧٩﴾

**فولادوند:** یا در کاری ابرام ورزیده‌اند ما [نیز] ابرام می‌ورزیم

**مکارم:** بلکه آنها تصمیم محکم بر توطئه گرفتند ما نیز اراده محکمی (درباره آنها) داریم.

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ بَلَىٰ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ﴿٨٠﴾

**فولادوند:** آیا می‌پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم چرا و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می‌کنند

**مکارم:** آنها چنین می‌پندارند که ما اسرار پنهانی و سخنان درگوشی آنها را نمی‌شنویم آری رسولان (و فرشتگان) ما نزد آنها

هستند و می‌نویسند.

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَكَدُّ فَإِنَّا أَوْلُ الْعَابِدِينَ ﴿٨١﴾

**فولادوند:** بگو اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود خود من نخستین پرستندگان بودم

**مکارم:** بگو اگر برای خداوند فرزندی بود من نخستین مطیع او بودم.

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿٨٢﴾

**فولادوند:** پروردگار آسمانها و زمین [و] پروردگار عرش از آنچه وصف می‌کنند منزه است  
**مکارم:** منزه است پروردگار آسمانها و زمین، پروردگار عرش، از توصیفی که آنها می‌کنند.

فَذَرَهُمْ يَخْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ﴿٨٣﴾

**فولادوند:** پس آنان را رها کن تا در پناه‌گویی خود فرو روند و بازی کنند تا آن روزی را که بدان وعده داده می‌شوند دیدار کنند  
**مکارم:** آنها را به حال خود واگذار تا در باطل غوطه ور باشند، و سرگرم بازی، تا روزی را که به آنها وعده داده شده است ملاقات کنند (و نتیجه کار خود را ببینند).

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ﴿٨٤﴾

**فولادوند:** و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست و هموست‌سنجیده‌کار دانا  
**مکارم:** او کسی است که در آسمان معبود است و در زمین معبود و او حکیم و علیم است.

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٥﴾

**فولادوند:** و خجسته است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن اوست و علم قیامت پیش اوست و به سوی او برگردانیده می‌شوید  
**مکارم:** بر برکت و زوال ناپذیر است کسی که مالک و حاکم آسمانها و زمین و آنچه در میان آن دو است می‌باشد، و آگاهی از قیامت فقط نزد او است و به سوی او باز می‌گردید.

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾

**فولادوند:** و کسانی که به جای او می‌خوانند [و می‌پرستند] اختیار شفاعت ندارند مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند

**مکارم:** آنها را که غیر از او می‌خوانید قادر بر شفاعت نیستند مگر کسانی که شهادت به حق داده‌اند، و به خوبی آگاهند.

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ﴿٨٧﴾

**فولادوند:** و اگر از آنان بپرسی چه کسی آنان را خلق کرده مسلما خواهند گفت خدا پس چگونه [از حقیقت] بازگردانیده می‌شوند  
**مکارم:** و اگر از آنها سؤال کنی چه کسی آنها را آفریده؟ قطعاً می‌گویند: خدا، پس چگونه از عبادت او منحرف می‌شوید؟

وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَّا يُؤْمِنُونَ ﴿٨٨﴾

**فولادوند:** و گوید ای پروردگار من اینها جماعتی‌اند که ایمان نخواهند آورد

**مکارم:** آنها چگونه از شکایت پیامبر که می‌گوید: پروردگارا! اینها قومی هستند که ایمان نمی‌آورند (غافل می‌شوند؟).

فَاَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلَامٌ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٨٩﴾

**فولادوند:** [و خدا فرمود] از ایشان روی برتاب و بگو به سلامت پس زودا که بدانند

**مکارم:** اکنون که چنین است از آنها روی برگردان و بگو سلام بر شما، اما به زودی خواهند دانست!

